

مدیریت شهری

شماره ۴۲ بهار ۹۵

No.42 Spring 2016

■ ۳۲۷-۳۵۴ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۶

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۴

بررسی مفهوم مدیریت شهری در دیدگاه متون و روایات دینی با رویکرد فراترکیب

فضل الله پژواک* - کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

Management of the Shiie Islamic cities

Abstract

Discussion on the Islamic city is: What characteristics and components of the important issues that need to be studied in the field of urban management in Islamic cities. Therefore, it seems necessary to answer such questions and to Islamic utopia recognition and its management by identifying and recognized components, the possibilities and provide recreation Shiite Muslim city. The Islamic utopia features and characteristics that will distinguish it from other cities and other countries. These features, in fact, refers to the approach to phenomena such as believer and Muslim world, the hereafter, man and the universe and God. In this article, descriptive - analytical and managerial qualities in Islamic cities in Shiite cities studied, with emphasis on theoretical and conceptual aspects of the analysis. At the end of the characteristics mentioned in detail theoretical and practical principles is phenomenal.

Keywords: urban management, city of Shiites.

بحث در خصوص این که شهر اسلامی چیست و دارای چه ویژگی ها و مؤلفه ای است از مهمترین موضوعاتی است که لازم است در حوزه مدیریت شهری در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، به نظر می رسد پاسخگویی و طرح چنین پرسشهایی لازم تا آرمان شهر اسلامی بازشناسائی شده و با شناسائی و احصاء مؤلفه های مدیریتی آن، امکان تحقق و بازآفرینی شهر اسلامی شیعی فراهم گردد. این آرمان شهر اسلامی دارای مؤلفه ها و ویژگی های خاصی است که آن را از سایر شهر و جوامع دیگر تمایز می کند. این ویژگی ها در واقع ناظر به نوع نگاه انسان مؤمن و مسلمان به پدیده های نظیر دنیا، آخرت، انسان، جهان و خدا است. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی به ویژگی های مدیریتی در شهرهای اسلامی با تأکید بر شهرهای شیعی پرداخته شده و ابعاد نظری و مفهومی آن واکاوی می شود. در پایان ویژگی های نظری و اصول پدیداری عملی آن به تفصیل مورد اشاره قرار می گیرد.

وازگان کلیدی: مدیریت شهری، شهر اسلامی، شهر شیعی.

این وصف، رکنی مهم از ارکان تحول بخش توسعه جامعه دینی و الهی است و در ساختمان فلسفه سیاسی اسلام از جایگاهی والا و ممتاز برخوردار است، زیرا فلسفه سیاسی اسلام، فلسفه پویایی و بهکرد امور اجتماعی و نهاد حکومت و قدرت و کلیه ساختارها و واحدهای اجتماعی و در راستای ارزش‌های بنیادین اسلام است. مدیریت شهری، به واقع، مجری سیاست‌های کلی و بلندی است که ملهم از روح تعالی اسلامی است، که ذاتاً دارای ویژگی‌هایی متعالی و بلند و ارزشمند است؛ عمل گرا و زهدمدار است و از همین رهگذر است که مکانیسم پویایی جامعه اسلامی، در سایه مدیریت اسلامی شهری عملی گردد. در این مقاله برخی از این ویژگی‌ها و خصلت‌های مدیریتی شهرهای شیعی بیان شده و در این ارتباط اصول و خصلت‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که عبارت از: اصل حاکمیت خدا، عدالت و برابری، کرامت و بزرگواری انسان، امنیت، آزادی و اصل عطفت و مسؤولیت نسبت به طبیعت می‌باشد. در ادامه به مفاهیم مرتبط با شهر اسلامی به تفصیل اشاراتی می‌شود و اصول حاکم بر شهرهای اسلامی در حوزه مدیریتی

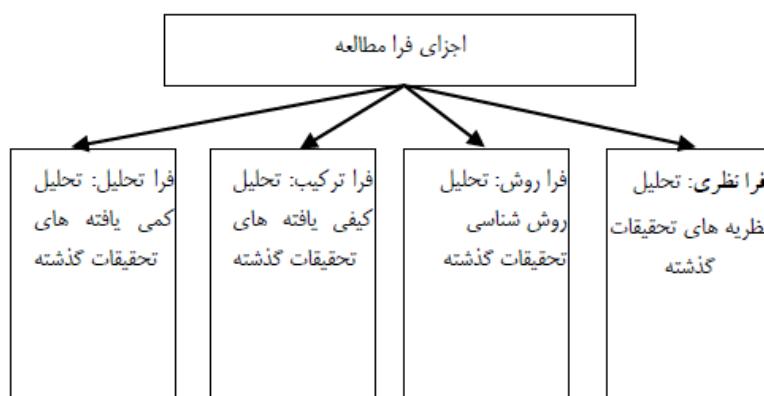
مقدمه

امید به پیروزی نهایی حق و غلبه نیکی‌ها بر پلیدی‌ها و حاکمیت بهروزی و نیک فرجامی برای بشریت و برقراری ارزش‌های انسانی و تشکیل مدنیه فاضله دینی یا آرمان شهر اسلامی، از مهم‌ترین امیدها، ایده‌ها و آرمان‌های بلند بشری است. این امید در همه ادیان الهی تجلی یافته و از جمله مشترکات مهم ادیان الهی محسوب می‌گردد. این مهم، با مقوله مدیریت مطلوب و بایسته، پیوندی ذاتی و ساختاری دارد؛ یعنی در فضای مدیریت عالی و مطلوب است که امیدواری اجتماعی و حاکمیت اندیشه‌های متعالی روی خواهد نمود و در این صورت است که آرامش اجتماعی، رشد اجتماعی و ارزش‌مداری و حق محوری، در درون واقعیتهاي اجتماعی نهادینه خواهد گردید. مدیریت اسلامی، مدیریت ناظر به اندیشه‌های پویایی است، و دارای عنصر اثربخشی می‌باشد و این نوع از مدیریت، به واقع موجی از امواج کلی و قدسی امامت اسلامی است و در طول آن قرار دارد. ساختار این مدیریت، ذوب شدگی در حق، از هر مداری تقوایپیشگی، دوری از منفعت طلبی‌ها و شخص محوری هاست، که با

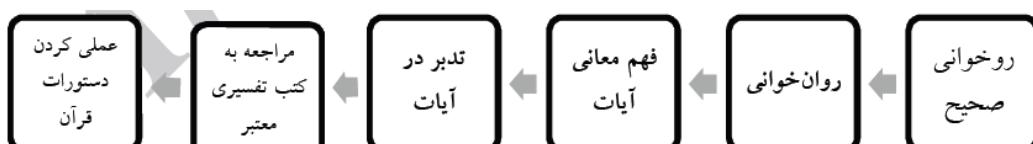
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۲۸



نمودار ۱. مبنای روش شناسی تحقیق و رویکرد فراترکیبی؛ مأخذ: نگارنده.



نمودار ۲. روش شناسی بررسی متون قرآنی موردنظر در تحقیق؛ مأخذ: نگارنده.

جدول ۱. فرضیات پیشین و دیدگاههای نوین در سیاست‌گذاری شهرها؛ منبع: Peter Hall, ۲۰۰۰, P. ۱۸۴

دیدگاههای نوین	فرضیات قدیمی
(*) شهرها منبع نوآوری و رشد اقتصادی هستند؛ (*) شهرها تأمین کننده روستاها هستند؛ شهر بزرگتر، فرصت‌های بیشتری را در اختیار می‌گذارد؛ (*) سیاست‌های عمومی باید در راستای بهره‌وری هر چه بیشتر شهرها جهتدهی شوند؛ (*) مهاجران برخوردار از انگیزه و مهارت‌هایی بالاتر از آنچه که به نظر می‌رسد هستند؛ (*) حاشیه نشینان در اقتصاد شهری سهیم عمدتی دارند، اغلب بیش از آنچه که به دست می‌آورند؛ (*) اکثر خانواده‌های ساکن در حاشیه دارای ارزش‌های سیاسی میهن‌پرستی، مقاومت و بالستقامت هستند؛ (*) شهرنشینی شاخصی از توسعه‌یافتنگی است و با افزایش نرخ شهرنشینی، نرخ زاد و ولد کاهش می‌یابد؛ (*) تحول در عملکردهای (شیوه‌های تولید و مصرف) شهری برای پایداری اکولوژی جهانی ضروری است؛ (*) زباله منبعی ارزشمند است، به شرطی که در سیستم‌های چرخه‌ای بازیافت وارد شوند؛ (*) بیشتر راه حل‌های ابتکاری از پایین به بالا می‌باشند تا از بالا به پایین؛ (*) بخش غیررسمی ارائه‌دهنده اصلی شغل، درآمد و مسکن است؛ (*) مدیریت تمرکزدایی شده به طور کارایی بین نیازها و منابع ارتباط برقرار می‌کند و این ارتباط برای از بین بردن موانع ضروری است.	(*) شهرها مسئله‌زا و مشکل‌آفرین هستند؛ (*) روستاها هزینه شهرها را می‌پردازنند؛ (*) شهرها روز به روز بزرگتر می‌شوند؛ (*) سیاست‌های عمومی باید در راستای ایجاد محدودیت در اندازه شهری جهتدهی شوند؛ (*) مهاجرین برای شهرها مسئله‌زا و مشکل‌آفرین؛ (*) حاشیه‌نشان اقتصاد شهری و خدمات شهری را چپاول می‌کنند؛ (*) سکونتگاه‌های حاشیه‌ای منبع آشوب، جرم و جنایت و مواد مخدور هستند؛ (*) شهرها در انفجارهای جمعیتی سهیم هستند؛ (*) شهرها و فقیران شهری تهدیدی برای تخریب محیطی هستند؛ (*) زباله‌های جامد و انسانی آشغال‌هایی هستند که باید دور ریخته شوند؛ (*) حکومت، برنامه‌ریزان و کارشناسان راه حل‌هایی برای مشکلات شهری ارائه می‌دهند؛ (*) برنامه‌های حکومتی، مسکن فقیران را تأمین می‌کنند؛ (*) حکومت شهری با اقتدار و برخوردار از قدرت نظامی برای مواجه با مشکلات مدیریت شهری ضروری است.

اسلامی معطوف شده است. لذا در این مقاله با مراجعه به متون و نصوص دینی به بررسی مفهوم مدیریت و برنامه‌ریزی در قرآن کریم و روایات و احادیث پرداخته شده و بر اساس آنها اصول مورد نظر مدیریتی شهر در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت

تعاریف و واژه‌های مختلفی برای مدیریت بکار رفته است:

مورد بحث قرار می‌گیرد.

مواد و روشها

روش تحقیق این مقاله در مرحله اول بنا به ماهیت نظری تحقیق، «توصیفی- تحلیلی» است که از ابزار گردآوری داده مشتمل بر «مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی» بهره برده است. در ضمن در مرحله «استنباط نظری» از اجزای «فرامطالعه» بر اساس نمودار ۱ بهره برده است که مشتمل بر «رویکرد فراترکیب» بوده که به تحلیل کیفی یافته‌های تحقیقات گذشته پیرامون مفهوم مدیریت در شهر



نمودار ۳. مقایسه مدیریت اسلامی و مدیریت رایج؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

مدیریت اسلامی

مدیریت اسلامی شیوه به کار گیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام است. در متون اسلامی، نگاهی نزدیک به آنچه امروز علم مدیریت نامیده می شود وجود دارد. در حوزه مدیریت کلان و خرد اخباری از پیامبر اسلام و امامان شیعه در دست است. در روایتی از امام اول شیعیان آمده است «لَا يَدْرِي لِلنَّاسِ مَنْ أَمِيرٌ بِرٌّ أَوْ فَاجِرٌ» (ترجمه: مردم ناگزیرند امیری داشته باشند، چه نیکوکار و چه تباہ کار) و همچنین از پیامبر اسلام منقول است «إِذَا كَانَ ثَالِثُهُ فِي سَفَرٍ، فَلْيُؤْمِرُوا أَحَدَهُمْ» (ترجمه: هنگامی که سه نفر در سفر بودند، باید از یک نفرشان فرمان ببرند).

برنامه ریزی از مهمترین ابعاد نظری در حوزه مدیریت است که در اسلام نیز مورد توجه ویژه ای بوده است؛ چنانچه قرآن کریم نیز در این باره تاکیدات موکدی داشته است.

مدیریت شهری

مدیریت شهری را می توان سازمانی فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی

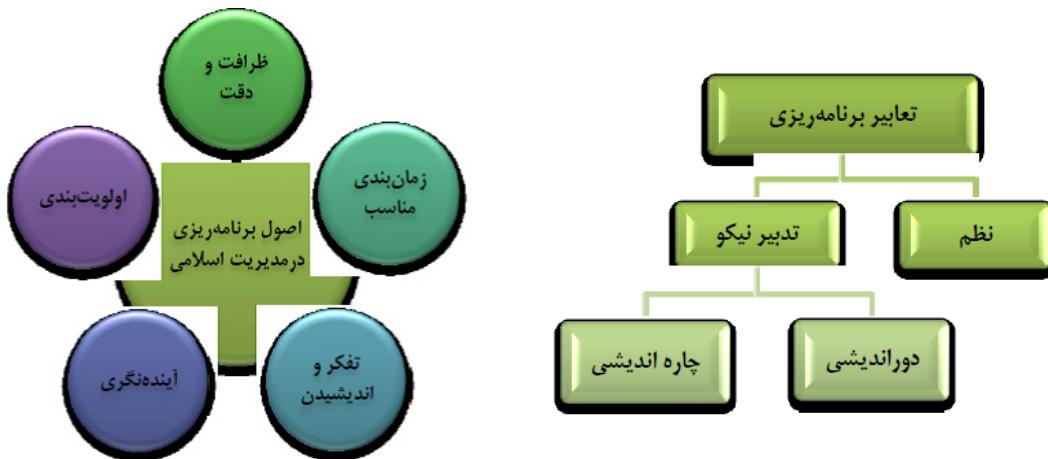
۱. «پاول هوس» و «کنتایچ بلنچارد» مدیریت را چنین تعریف می کنند: «مدیریت به کار کردن با افراد و گروهها برای رسیدن به مقاصد سازمان گفته می شود. وظایفی هم که بر عهده مدیر گذاشته شده است نیز عبارتند از: برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و انگیزش» (پرهیز کار، ۱۳۸۲).

۲. «چاندلر» مدیریت را چنین تعریف می کند: «مدیریت بطوریکه بصورت معمول در اذهان عموم متداول گشته، عبارتست از اداره امور یک سازمان. مدیریت ممکن است شامل اداره امور تجهیزات و یا تسهیلات سازمانی باشد و یا اینکه شامل اداره امور مربوط به کسانی که عهده دار اداره تجهیزات و تسهیلات سازمانی هستند، باشد. یا به طور کلی ممکن است شامل اداره امور هر دو مورد فوق باشد. ولی به هر حال مدیریت چه برای تجهیزات و تسهیلات، چه برای مجریان یک سازمان و چه برای اداره امور اعضاء یک سازمان همگی بایستی دارای منظور و مقصودی باشند که این منظور و مقصود را همان هدف سازمان گویند.

۳. از نظر «رابینز» و «دی سنزو»، «مدیریت عبارتست از فرایند انجام کارها به طور اثربخش و کارآمد به وسیله دیگران (پرهیز کار، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

جدول ۲. فراوانی برخی از مفاهیم مربوط به برنامه ریزی در قرآن کریم؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

تعداد	موضوع	عبارت
۳۳ مورد	به معنای اندازه و اندازه‌گیری	مشتقات (قدر)
۵ مورد	به معنای تدبیر	مشتقات (دبر)
۱۰ مورد	آفرینش زمین در شش روز (برنامه‌ریزی در خلقت)	ستة أيام
۹ مورد	خلقت هفت آسمان (برنامه‌ریزی در خلقت)	عبارات مربوط به "السموات السبع"
۴۷ مورد	پیدایش و اختلاف شب و روز (برنامه‌ریزی در خلقت)	الليل والنهر
۱ مورد	زمستان و تابستان (برنامه‌ریزی در خلقت)	الشتاء والصيف
۹ مورد	خواب زمستانی و بیداری در بهار (برنامه‌ریزی در خلقت)	يحيى الأرض بعد موتها
۲ مورد	خلق آسمان‌ها بدون ستون قابل رویت (برنامه‌ریزی در خلقت)	بغير عمده ترونها



نمودار ۵. اصول برنامه ریزی در مدیریت اسلامی؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

نمودار ۴. برخی از تعابیر مربوط به برنامه ریزی در متون اسلامی؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

عمومی کشور سازمانی عمومی و غیر دولتی است که دارای استقلال و شخصیت حقوقی بوده و تحت نظر شورای شهر و با نظارت وزارت کشور تاسیس می گردد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۴، ص. ۸).

بر این اساس، در متون فارسی در کنار مفهوم «مدیریت شهری» مفاهیم مشابه دیگری مانند «مدیریت شهرداری» و یا «مدیریت حکومت محلی» نیز مطرح است که بسیاری اوقات به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند. با مرور منابع مربوط به مدیریت شهری تعاریف گوناگونی برای آن می‌توان یافت که حد و قلمرو هر کدام بسیار متفاوت است. آیا مدیریت شهری مترادف با یک «هدف عملیاتی»، «یک فرایند» و یا «یک ساختار» است؟

و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چندعملکردی در حوزه سیاستگذاری برنامه ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند. همچنین باید به مفاهیمی همچون مدیریت شهرداری و یا مدیریت حکومت محلی نیز اشاره کرد که در کنار مفهوم مدیریت شهری مطرح می شود. در بیشتر مواقع نیز مدیریت شهری به عنوان زیر مجموعه حکومت محلی شناخته می شود و شهرداری نام می گیرد (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص. ۲۲). در ادامه به برخی از تعاریف شهرداری اشاره می شود: شهرداری بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات

خدمات را برای شهروندان فراهم کند. این پارادایم به سبب مسائلی مانند پیچیدگی روزافزون زندگی و کاهش توان مدیریت‌ها در حل مسائل شهری و از بین بردن یا تضعیف قوّه استدلال و ابتکار عمل شهری‌دان با چالش‌های جدی مواجه شده است. در پارادایم دوم که «حکومت‌داری» نام دارد، مسؤولیت اداره امور عمومی میان سه نهاد شهرداری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است. هریک از این سه نهاد به طور مشترک در قبال مسائل پاسخگو هستند (ایمانی جاجرومی، ۱۳۸۳، ص ۹).

مدیریت شهری دموکراتیک
اصول برنامه‌ریزی شهری مدرن و نتایج آنها از حدود دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد انتقاد جدی کسانی مثل «رابرت ونتوری» نویسنده کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» (۱۹۶۶) و «آلدو راسی» ایتالیایی مؤلف کتاب «معماری شهر» (۱۹۶۶)، «جین جاکوبز» آمریکایی نویسنده کتاب «تولد و مرگ شهرها در آمریکا» (۱۹۶۱) و بسیاری کسان دیگر قرار گرفت که جوهر همه آنها نگرانی از رشد کمی شهرها، بی‌هویتی و یکسان‌سازی آنها و بی‌توجهی به سرزندگی و کیفیات انسانی و فرهنگی در شهرها است. به نظر «مارشال برمن» برنامه‌ریزی شهری مدرن روایت و تصویر دیگری از شهر ارائه داده است: جهانی که به لحاظ فضایی و اجتماعی به پاره‌هایی، مجزا تقسیم شده است، اینجا مردم، آنجا ترافیک، اینجا کار، آنجا خانه، اینجا اغنية، آنجا فقر و در میان آنها موانعی از چمن و سیمان (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳). در خصوص پیشینه این رویکرد می‌توان اشاره داشت:

۱. «برنامه‌ریزی عدالت‌گرا و حمایتی»: «داویدف» (۱۹۶۵) و «کرومہلز» (۱۹۸۲) که در آنها کانون برنامه‌ریزی از کارکردگرایی، دغدغه‌های مربوط به مسائل فنی و کاربری زمین به سمت مباحثت مربوط به تفاوت‌ها و پرسش سیاسی چه کسی، چه چیزی را در کجا و در چه زمانی بدست آورده و چه کسانی

مفهوم محتوایی مدیریت شهری

از محتوای مدیریت شهری تعاریف متفاوتی شده است:

۱. برخی اوقات مدیریت شهری به مثابه اجرای سیاست قلمداد می‌شود یعنی به عنوان اداره امور عمومی، و در جای دیگر مدیریت شهری را با اجرا و برخی ویژگیهای خاص دیگر تعریف می‌کنند که آن را فراتر از مفهوم اداره می‌برد، برای مثال با ایجاد بستری برای مداخله بیشتر بخش عمومی با پذیرش نقش فعالتر در توسعه شهری این امر امکان پذیر می‌گردد.

۲. یا برای بانک جهانی، مدیریت شهری یک رویکرد شبیه بازارگانی در حکومت و اداره شهر است که ممکن است به استفاده مؤثر و کارآمد تر منابع منجر شود (Mattingly, ۲۰۱۹۹۴).

۳. به اعتقاد شارما (Sharma, ۱۹۸۹)، مدیریت شهری مجموعه‌ای از فعالیت‌های است که در تعامل با هم توسعه اقتصادی، كالبدی و اجتماعی نواحی شهری را شکل داده و هدایت می‌کند. بنابراین اصلی ترین وظیفه مدیریت شهری، مداخله در این نواحی با هدف ارتقاء توسعه اقتصادی و بهروزی مردم و نیز تأمین خدمات ضروری است.

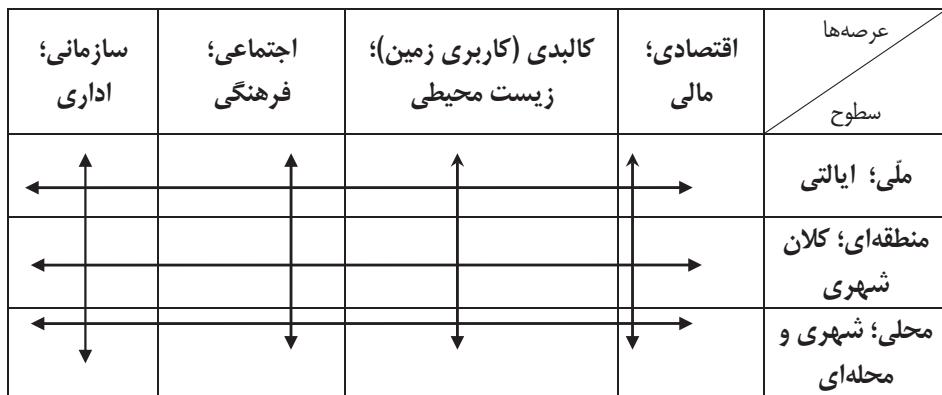
۴. راکودی (Rakodi) نظر مشابهی دارد. هدف مدیریت شهری، مدیریت اجزای سیستم شهری است به نحوی که کارکرد روزانه سیستم را ممکن ساخته و با تشویق همه انواع فعالیتهای اقتصادی بستری فراهم آورد تا ساکنان قادر باشند به نیازهای اساسی خود شامل مسکن، کالاها یا خدمات عمومی و نیز فرصت‌های درآمد ساز دسترسی داشته باشند. هردوی این محققین معتقدند که مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک است که با نتایج و تبعات عملیاتی نیز همراه است (Gill, Mc Gill, ۱۹۹۸: ۴۶۴). به طور کلی برای اداره امور عمومی شهر دو پارادایم وجود دارد:

در پارادایم نخست که «حکومت» نام دارد، شهرداری مسؤول تمام امور است. این نهاد موظف است تمامی

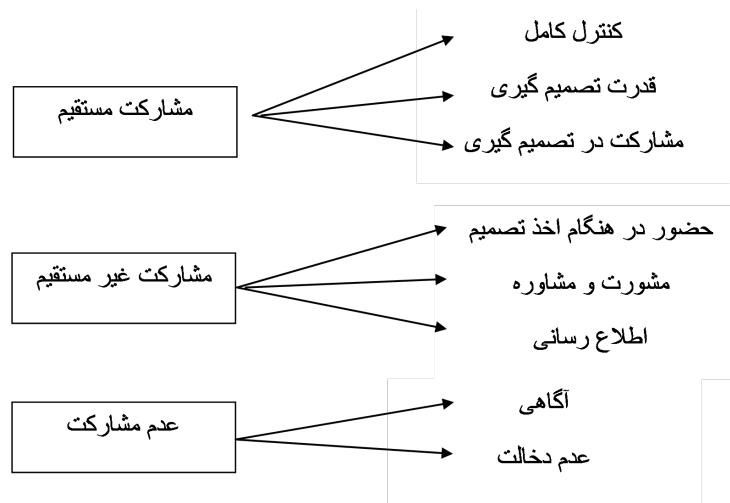
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۲



نمودار ۶. فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه؛ مأخذ: نگارنده.



نمودار ۷. نردهان هشت پله‌ای مشارکت ارنشتاین؛ مأخذ: Healy, ۲۰۰۵: ۲۶.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۳

- در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد. کالبدی- فنی و توجه به خواسته‌های اجتماعی، انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظری «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاين» (۱۹۸۲) به فرایند برنامه‌ریزی از این جهت که منابع قدرت را تعقیب می‌نماید. زیر سؤال برده و برای نخستین بار، داعیه بی‌طرفی و فن‌سالارانه آن فرایند برنامه‌ریزی را به چالش کشیده است (مارک اورانجی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).
۳. با واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد.
۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان منافع عمومی و منافع خصوصی گروههای مختلف اجتماعی، نوعی هماهنگی و همکاری متقابل رعایت گردد. تحقق این امر، بی‌تردید، نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه و دموکراتیک را نیاز دارد (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).
۵. این تغییر رویکرد و نگرش در برنامه‌ریزی شهری به طور عمده منطبق با این ایده است که ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف شرایط سیاسی- اجتماعی، سازمان مدیریت و اجرا

هستند و معمولاً سرپرستی آن را شهردار به عهده دارد. لیکن اجرای امور به گونه رهبری جمعی است. مدل دیگر کمیسیونی است که این رهبری توسط یک کمیسیون اجرایی تخصصی انجام می‌گیرد. و بطور کلی درون مایه و قلمرو اختیارات آن را عموماً شورا تعیین می‌کند.

۳. شورا - مدیر شهر: در این الگو کلیه وظایف اجرایی در اختیار یک مدیر متخصص که از سوی شورا انتخاب شده قرار دارد. در این نظام شورا دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاست‌های عمومی است، اما شهردار انحصاراً ریاست شورا را به عهده دارد. این الگو در کشور ایالات متحده امریکا در بسیاری از ایالت‌ها وجود دارد.

۴. گردهمایی: صورت دیگری از حکومت‌های محلی است که در شهرهای جهان به ویژه در کشور ایالات متحده حاکم است. در این مدل هیأت منتخبین در موقع ضروری خواستار برگزاری نشست و یا گردهمایی شهر می‌شوند و در این نشست موضوعات مطرح و سپس رأی گیری می‌گردد. اعضای این هیأت توسط شهروندان انتخاب شده‌اند. ویژگی‌های شهر اسلامی

اصل توحید و خدام حوری
حاکمیت و مالکیت پروردگار بر هستی نیز مطلق، تجزیه ناپذیر و انتقال ناپذیر است فرمانروایی بر کون، به جز برای خداوند، از آن کسی نیست و نه می‌تواند باشد و نه کسی حق دارد که خود را شریک و سهیم در آن بداند و اگر کسی هم چنین ادعایی

و میزان مشارکت همگانی، نقش مؤثرتری در تحقق سازماندهی مطلوب شهری و کیفیت آن ایفا می‌کنند (همان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸).

در قلمرو برنامه‌ریزی شهری، مشارکت شهروندان به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. مشارکت علمی و فنی: همکاری نهادهای بخش عمومی با مؤسسات حرفه‌ای و تخصصی برنامه ریزی شهری در زمینه تهیه طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و عمران؛

۲. مشارکت اقتصادی: جلب همکاری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری؛

۳. مشارکت اجتماعی: همکاری تشکل‌های صنفی و جمعی محلی در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهری و نظارت بر آنها (مهدیزاده و دیگران، ۱۳۸۲).

در ادامه به این مدل‌ها به اختصار اشاره می‌شود:

۱. مدل شهردار قوی: از این مدل در بسیاری از کشورهای اروپایی و سایر کشورهای جهان استفاده می‌شود. در این شیوه بر اصل رهبری سیاسی تأکید می‌شود که در قالب شهرداری تبلور می‌یابد و جایگاه آن مشابه ریاست جمهوری در سطح یک شهر است و وی مسئول اجرای تصمیمات شورا نیز می‌باشد (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹-۱۳۸).

۲. رهبری جمعی: در این مدل جمع مرتع تصمیم‌گیری است که توسط کمیته اجرایی تشکیل می‌شود و مسئول اصلی این کمیته بعض اعضای شورا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۴

جدول ۳. پراکندگی جغرافیای الگوهای محلی مختلف حکومت‌های ایالات متحده در اروپا؛ منبع Margre and Bertrana .۲۰۰۴، P. ۲۰۰]

.۳: Bertrana, P., ۲۰۰۴.

ردیف	مدل حکومت‌های محلی	کشورهای مجری الگوها
۱	شهردار قوی	اسپانیا؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ پرتغال؛ مجارستان
۲	رهبری جمعی	بلژیک؛ هلند؛ لوکزامبورگ؛ جمهوری چک
۳	رهبری توسط کمیسیون	دانمارک؛ سوئد؛ لتونی
۴	شورا - مدیر شهر	فنلاند؛ ایرلند
۵	سایر موارد	انگلستان؛ مالت

جدول ۴. انواع مدل‌های مدیریت شهری و مزایا و معایب آنها؛ منبع: آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴.

نام مدل	مزایا	معایب
شهردار-شورا	(*) شهردار ضعیف - شورا نمایندگی منتخب به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. (*) کاربرد آن در شهرهای کوچک بخوبی پاسخ داده است.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) قدرت هر مسئولیت پراکنده است؛ (*) خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست‌زدگی و ماشینی شدن می‌گردد.
	(*) رهبری قوی با مسئولیت پذیری متمرکز؛ (*) سیاست‌سازی و اجرا را تسهیل می‌بخشد.	(*) حجم زیاد وظایف برای یک فرد مشکل است؛ (*) شهردارنمی تواند صرفاً با انتکای به یک نیروی متخصص عمل کند.
شورا-مدیر	(*) مدیر متخصص مسئولیت را به عهده دارد؛ (*) شورا توسط سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها شهر را کنترل می‌کند؛ (*) شهر به صورت یک بنگاه دیده می‌شود.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) عدم تمايل مدیر به سیاست‌سازی؛ (*) مدیر در انزوا قرار می‌گیرد
کمیسیونی	(*) در شرایط بحرانی و اضطراری خوب است؛ (*) ساختار سازمانی ساده است؛ (*) اجرای سریع سیاست‌ها و به موقع آن	(*) فقدان نظارت و (*) پیچیدگی انتخاب در این شیوه؛ (*) نبود یک فرد به وظیفه اداره کل مجموعه بطور مشخص
گردهمایی شهری باز و گردهمایی شهری نماینده	(*) پیشرفت‌هه ترین نوع دموکراسی؛ (*) برای همه شهروندان حق رأی گذاشته شده و می‌توانند در اداره امور شرکت داشته باشند؛ (*) در جوامع محدود بسیار موفق است.	(*) انجام برنامه بلند مدت مشکل است؛ (*) استفاده از افراد متخصص مشکل است؛ (*) اطلاع رسانی در این مدل سخت است؛ (*) برگزاری جلسات به دلیل حضور افراد مشکل است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

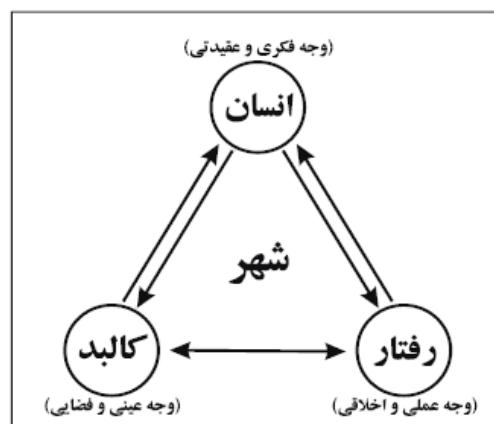
۳۳۵

از جهانِ مادی و نیازهای زندگی اش غافل نیست، تک افراد به این اصول و نگرش رسیده‌اند و به این عالم تعلق دارند. با پذیرش اصل توحید وجود خدا نگرششان به هستی، انسان سعادت، آخرت و روابط انسان با آنها دگرگون می‌شود. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پیدایش عالم و مردمانی که به آیین تعالیم تعلق دارند، می‌باشد. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده‌ی پروردگار فهم نمی‌کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه‌هایش درک می‌کند. علی‌رغم آنکه سعادت و خیر را در دنیای دیگر سراغ می‌گیرد،

از جهانِ مادی و نیازهای زندگی اش غافل نیست، تک افراد به این اصول و نگرش رسیده‌اند و به این عالم تعلق دارند. با پذیرش اصل توحید وجود خدا نگرششان به هستی، انسان سعادت، آخرت و روابط انسان با آنها دگرگون می‌شود. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پیدایش عالم و مردمانی که به آیین تعالیم تعلق دارند، می‌باشد. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده‌ی پروردگار فهم نمی‌کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه‌هایش درک می‌کند. علی‌رغم آنکه سعادت و خیر را در دنیای دیگر سراغ می‌گیرد،

و دستور او، دستوری را پذیرفت. در هر صورت اصل توحید مستلزم آن است که انسان موجودی «آزاد و برابر خلق شده است و نباید تحت سلطه و اسارت قرار گیرد و اصل اساسی روبیت پروردگار است. با پذیرش اصل توحید و خالقیت خداوند و مالک بودن وی بر هستی، نوع نگاه به انسان و سعادت حقیقی وی نیز دگرگون می‌شود. در این چهار چوب انسان به منزله‌ی با ارزش‌ترین و گرامی‌ترین موجود، آفریده‌ی خداوند است. این موجود برخوردار از عقل، کرامت، عزت و اختیار است». دارای استعداد، تکامل، پیشرفت و ترقی می‌باشد. انسان موجودی دو وجهی است: دارای تمایلات عالی و انسانی دیگر برخوردار از غراییز و تمایلات حیوانی. سعادت حقیقی، علاوه بر برآورده شدن خواسته‌های مادی و ضروریات حیات، در گروه کسب رضایت خدا و تأمین اعلی در سرای دیگر است.

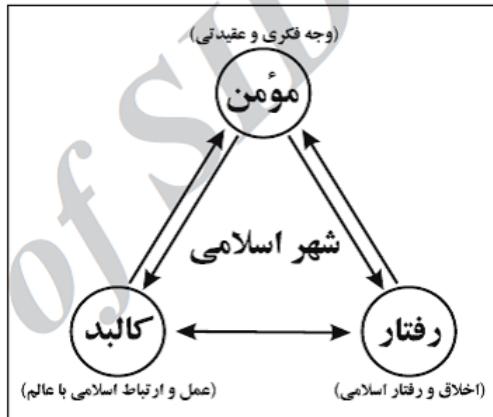
زندگی دنیوی، علی رغم معایب و بدی‌هایش بیهوده و بی‌معنا نیست بلکه پیش شرط سعادت است و مرگ نیز پایان حیات نیست. با مرگ زندگی و دوره‌ی تازه‌ای در فرآیند تکامل آدمی آغاز می‌شود و گذار زندگی شرط اساسی این تکامل است. به عبارت دیگری دنیا و زندگی در آن مقدمه‌ی چنین فراشده در حیات آدمی است و سعادت حقیقی



تصادفاً به وجود آمده است و نه با مرگ حیاتش پایان می‌گیرد و نه با می‌باشد. انسان موجودی صرفاً مادی و حیوانی است که هیچ اختیار و اراده‌ای از خود ندارد. زندگی اش بیهوده و پوچ نمی‌باشد، انسان آفریده خداوند است و هدف وی، عبودیت و تأمین رضایت الهی است. به طور خلاصه در عالم دینی، مؤمنان به اساس اصل توحید به اصول ذیل ایمان دارند:

۱. هستی و جهان بیرونی مخلوق خداوند است و پدیده‌ای بیهوده، بی‌برنامه و نابهنجارنیست
۲. انسان مخلوق خداوند است، دارای اختیار، آزادی و عقل می‌باشد و موجودی تکامل یابنده. دارای دو نوع غراییز و نیاز است: یکی مادی و دیگر معنوی سعادت حقیقی در گروه تأمین این دو نوع خواسته است و هدف اساسی کسب رضایت باری تعالی است که بدون عمل به فرامین و نواهی و خواست وی رسیدن به سعادت بی معنا است.
۳. در عالم دینی، فرد دیندار براساس اصل توحید و حضور خدا، به جهان مأمورا طبیعت عالم غیب، معاد، بهشت، دوزخ، جهنم، و ملایک ایمان دارد. جهان را خالی از راز و رمز و حضور مدام خدا نمی‌بینند.
۴. در عالم دینی، فرد دیندار، حضور و دخالت

نمودار ۸. رابطه سه عنصر دخیل در شهر؛ مأخذ: نقی زاده.



نمودار ۹. رابطه سه عنصر دخیل در شهر اسلامی؛ مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

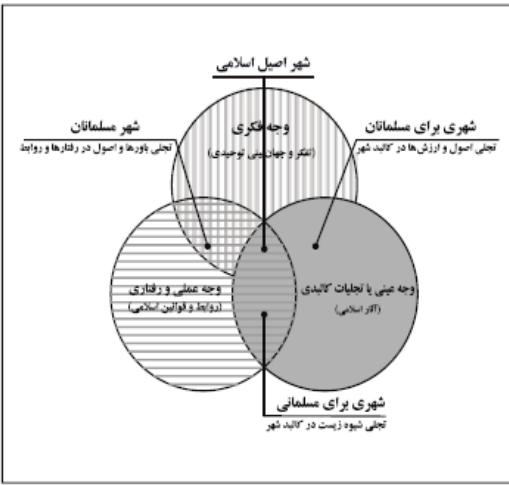
به وضوح روشن است.
عدالت

یکی از برترین و گرامی‌ترین آرمانها و اصول اساسی زندگی بشر، عدالت است. قرآن کریم هدف اساسی رسالت آسمانی تمامی پیامبران را برقراری عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیوم الناس بالقسط» در آیه فوق الذکر، اولین رسالت و هدف پیامبران و کتابهای آسمانی، استقرار عدالت است. آنها نه تنها برای چنین هدفی مبعوث شده‌اند بلکه باید برای تحقیق و استقرار آن می‌باشد فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن است که هر حقی به صاحب حق داده شود و هر کس بر اساس تواناییها و استعداد و ظرفیت خویش بهره و امتیاز گیرد نه بیشتر و نه کمتر و عدول از این اصل نیز به معنای عدول از اصل حق محوری و مرتكب ظلم و تعدی شدن است. در این چهار چوب فرق نمی‌کند که صاحب حق فرد، اجتماع یا هر چیز دیگر باشد. در اندیشه‌ی دینی عدالت و دادگری یکی از صفات عمده‌ی خداوند است و وی زمین و آسمان را به عدالت و دادگری آفریده است.^۱ و با وضع میزانهای قسط و عدل، از انسان می‌خواهد تا به آن ملزم باشد و از آن تعدی و تجاوز نکند و براساس معیارهای دادگرانه رفتار کند. اسلام در

خداوند را در تمامی عرصه او زوایای زندگی خود مشاهده می‌کند زیرا خداوند حاکم و متعال ما یشاء می‌باشد. وی وجود خداوند و عنایات و الطافش را شرط ضروری زندگی و سعادت خویش ارزیابی می‌کند، گرچه خود را عاقل و مختار فرض می‌کند، در عین حال از الطافش بی نیاز نیست، و همیشه چشم به راه کرامت و فضل خدا است. چنین انسانی، برخلاف انسان امروزی، از آسمان هنوز نبریده و کماکان به آن احساس نیاز دارد.

حفظ کرامت و عزت نفس آدمی

در یک جامعه آرمانی، انسانها دارای کرامت و عزت نفس‌اند و این عزت و کرامت باید حفظ شود و محور تمام تصمیمات و سیاست‌گذاری نیز با چنین باشد. چنانچه می‌دانیم، در اندیشه دینی انسان موجودی، عاقل، مختار، شریف و برخوردار از کرامت، است. کرامت انسانی برترین گوهربی است که خداوند تبارک و تعالی به انسان ارزانی داشت و به عین آن- انسان را از دیگر موجودات خود برتر و متمایز ساخت. عذری که بر اساس آن انسان از سایر موجودات برتری یافت و تمام فرشتگان مأمور شدند که در برابر این کرامت کرنش کنند و او را بزرگوار و خود را خوار نمایند.^۱ در هر صورت فرشتگان مأمور به سجده بر آدم شدند و ابلیس چون از این فرمان سر بر بتافت، از درگاه الهی رانده شد و به سبب تکبرش، دشمن خدا گردید.^۲ نکته قابل توجه آنست که حفظ حرمت انسانها، در یک شهر اسلامی، متوجه همه‌ی انسانها است و هیچ فردی از این دایره خارج و مستثنی نیست. گرچه در جامعه‌ی اسلامی میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوت‌های وجود دارد، اما هر دو در اینکه برخوردار از گوهرب کرامت انسانی‌اند، شریک و همسان می‌باشند و همان‌گونه حرمت انسان مسلمان بر انسانها و قدرت سیاسی لازم است، حفظ کرامت انسان‌های دیگر نیز بر همگان واجب است چون انسانها در خلقت اولیه مفترخ به دریافت کرامت و روح خدایی شدند و این امر در سنت و سیره پیامبر و ائمه معصومین به ویژه حضرت علی



نمودار ۱۰. رابطه سه گانه وجه فکری، وجه عملی و رفتاری و وجه عینی در شکلگیری شهر اصیل اسلامی؛ مأخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

وی انسانها را «برابر و آزاد» خلق نموده است. انسانها از بدو تولد، دارای هیچ امتیاز و برتری ذاتی و فطری نمی‌باشند تا مبنای برتری و نابرابری آنان گردد و احیاناً عده‌ای خویش را مستحق فرمانبرداری و دیگران را ملزم به اطاعت نمایند. آزادی و برابری انسانها وسیله‌ای فطری و الهی است و ریشه در فطرت و طبیعت انسان دارد و هیچ فردی حق سلب این حقوق از آدمی را ندارد، حضرت در این باره می‌فرماید: «ای مردم، حضرت آدم نه بندهای ترسید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، لکن خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را بر بعضی دیگر سپرده است.»^۱

بر این اساس انسانها ذاتاً موجوداتی، مختار، عاقل و حاکم بر سرنوشت خویش‌اند و در برابر آن مسؤولند و مورد بازخواست قرار می‌گیرد. انسان در پذیرش و گزینش اصول و مبانی حیات و نظام فکری و عقیدی خود آزاد است و می‌تواند هر گونه که خواست زندگی خویش را تدبیر نماید. بر این پایه، یکی از حوزه‌های عمدی آزادی انسان، «آزادی عقیده و وجودان» است و هیچ کس حق سلب این حقوق را از انسان ندارد و نمی‌تواند به هیچ قیمت و بهایی انسان را ملزم و مجبور به پذیرش عقیده و

وهله‌ی نخست انسان را فرا می‌خواند که با نفس خویشن به عدالت رفتار کند و میان حقوق خود و خداوند و دیگران تعادل و هماهنگی لازم را ایجاد کند.^۲

قرآن کریم، رفتار دادگرانه و عادلانه را نیز معیار اساسی روابط فرزند با پدر و مادر و زنان و مردان میداند و به آن توصیه‌ی فراوان می‌کند. اسلام از مسلمانان می‌خواهد تا بدون آنکه علایق و روابط سببی، عاطفی و نسبی خود را ملاحظه کنند، با مردم به عدالت و دادگری رفتار کنند. از این رو وابستگی‌های عاطفی، احساسی، قومی، نژادی و انسانی نمی‌باشد فرد را از معیار عدالت و دادن حق به ذی حق باز دارد.^۳ این عدالت نه تنها متوجه مسلمانان و دوستان است بلکه متوجه دیگر انسانها و از جمله دشمنان و رقیبان نیز می‌باشد. قرآن در این خصوص به مسلمانان هشدار می‌دهد تا مباداً از معیار عدالت و انصاف با دشمنان خارج شوند: «یا ایها الذين آمنوا كونوا قوامين سيد شهداء بالقسط و لا يحرمنكم شدائن قوم على الا تعذلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى و اتقوا الله» در آیه‌ی فوق الذکر به عدالت و دادگری، معیار ایمان، تقوا و قربت به خداوند ارزیابی می‌گردد و به انسانها در برابر بی‌عدالتی و بی‌دادگری از ترس خداوند بر ارتکاب آن، هشدار می‌دهد. سپس عدالت نه صرفاً قاعده‌ای اساسی در روابط میان مسلمانان بلکه قاعده‌ای عام و فراغیری است که شامل تمامی حوزه‌ها به جوامع و انسانها می‌شود و حتی اصل اساسی و فراغیر تدبیر تمام جوامع است. در آموزش‌های دینی حتی در مورد کسی که سخن می‌گوییم نیز باید سخن عادلانه و دادگرانه بگوییم و به هنگام عصبانیت و خشم می‌باشد از ادای گفتار ناحق، زشت، بی‌داد و ناروا خودداری کنیم.^۴ در مورد شهادت نیز رعایت اصل مذکور نیز اساسی است.^۳

آزادی و برابری

در آرمانشهر اسلامی، انسانها بنابر اصل توحید «آزاد و برابر» آفریده شده‌اند، تمامی انسانها آفریده خداوند

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۸

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۳۹

اسلام برای انسانها ذاتاً حقوق، عزت و احتراماتی ویژه را قابل است و به راحتی از آن صرفنظر و چشم پوشی نمی کند. انسانها علی رغم تفاوت های که دارند، دارای عزت، حرمت، کرامت، آزادی و حقوق انسانی و بشری اند و این حقوق باید حفظ شود و به هیچ بهانه ای نمی توان آن را پایمال کرد. خطاب حضرت علی (ع) به مالک اشتر به نحوی صریح این نکته را بیان و روش می کند. «ومباش همچون جانوری شکاری که خوردن شان را غنیمت شماری چه رعیت دو دسته اند/ دسته ای برادر دینی تواند و دسته ای دیگر در آفرینش با تو همانند». ۲. انسانها، از اینرو آزادند، بر سرنوشت خود حاکم اند و باید به راحتی از حقوق و آزادیها خویش چشم پوشی کنند و باید به آسانی تسلیم ظلم و ستم شوند چون صفت مسلمانی این است: «لا يَظْلِمُونَ وَ لَا يُظْلَمُونَ». قرآن در همین چهار چوب به مسلمانانی که در برابر آزادی کسانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند، خواسته است تا به پا خیزند و با آنان به مبارزه برخیزند: «وَ مَا لَكُمْ لَا تقاتلون فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوَلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبِّنَا أَخْرَجَنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرِيبَهِ الظَّالِمُونَ اهْلَهَا وَ اجْعَلَ لَنَا مِنْ لَدُنْكُ ولِيَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».^۱

در حوزه زندگی اجتماعی نیز بشر از آزادی حق تعیین سرنوشت، آزادی بیان و آزادی انتقاد برخوردار است. وی به دلیل داشتن عقل، آزادی و اختیار شایستگی چنین امری را دارد. در نظام دینی حق تعیین رهبران و مدیران جامعه به مردم واگذار شده است ویژه حضرت رسول اکرم و بر حضرت علی (ع) دیگر ائمه معصوم - علیه السلام گواه این امر است. آزادی بیان و انتقاد از دیگر حقوق انسانها در جامعه آرمانی است و هیچ کس در این چهار چوب فراتر از نقد و انتقاد نیست و هیچ کس نیز نمی تواند خود را از انجام این وظیفه دون تر بداند و آنرا در شأن خود نیابد چون امور اجتماعی و سیاسی و به ویژه برقراری حق و عدالت و انصاف پیچیده است و از سوی دیگر همه انسانها با محدودیت های علمی،

نظام فکری کند. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید: «لَا اکراه فِي الدِّينِ»؛^۱ «امانت تکره الناسٰ حتى يکونوا مؤمنين»؛^۲ «أنا هدينا السبيل اما شاكرا و اما كفورا»^۳

در جامعه آرمانی اسلامی، نه تنها مردم مسلمان از آزادی عقیده برخوردارند بلکه دیگر پیروان و مذاهب نیز از آزادی لازم جهت انجام مناسک و مراسم مذهبی آزادند. گرچه آنان پایبند به نظام ارزشی و دینی متفاوتی هستند اما همیشه مورد حرمت و احترام و عزت اند مسلمانان نیز طبق بیان صریح قرآن حق آزار، اذیت و بدرفتاری و دشمنی به آنان را ندارند: «وَ لَا تَسْبِوَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» در آیه فوق چنین تأکید بر آزادی بیان و عقیده در جامعه و حفظ حرمت و عزت انسانها و احترام به عقاید و دیدگاه های متفاوت، مسلمانان را از بدرفتاری و تممسک به روش های غیراخلاقی و غیرانسانی برای هدایت و رفتار با انسان های دیگر بر حذر می دارد. التزام مسلمانان به اصول دینی و الهی آنان را محقق نمی گرداند تا با دیگران آنگونه که خواستند و می داشتند عمل نمایند. مقتضای اصول و مبانی دینی قرآن است که این اصول در هر شرایط و موقعیتی باید حفظ شود و نمی توان به انگیزه هی هدایت مردم به روش های غیراخلاقی تممسک جست چون انسانها علی رغم تفاوت هایی که در حوزه های اندیشه و عقاید با یکدیگر دارند، در عنصر انسانیت، عزت و کرامت با هم همسان و شریکند و این حرمت باید حفظ شود. قرآن کریم، برای حل اختلافات مذهبی و فکری و هدایت و گفتگو با یکدیگر مسلمانان را به توسل به بهترین شیوه ها و روش ها توصیه می کند و اذعان دارد که باید به طرق اخلاقی و احسن انجام گیرد زیرا در اسلام هدف به هیچ وجه وسیله را توجیه نمی کند. نمی توان برای گسترش و تحکیم ارزش های اخلاقی و الهی، به روش های غیراخلاقی و غیرانسانی متول شد. «لاتجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن»^۱ این نگرش در حقیقت بر این نکته برمی گردد که

شکوفایی و فعلیت استعدادهای آدمی در گام نخست مشروط به تحقق امنیت روانی و روحی است. لذا امنیت در وهله نخست باید از درون وجود و هستی فرد سرچشمه بگیرد. تحقق استعدادها، تواناییها و تکامل انسان منوط به تحقق این امنیت است. در هر صورت در جامعه آرمانی و یک شهر اسلامی، اصل امنیت در حوزه‌های ذیل اساسی است: «۱.

امنیت در انجام مناسک و عبادات؛ ۲. امنیت در حوزه پذیرش عقاید و اندیشه‌های گوناگون؛ ۳. امنیت جانی، مالی، شخصیتی و حیثیتی افراد؛ ۴. امنیت حوزه و حرم خصوصی افراد؛ ۵. امنیت اقوام و ملل دیگر؛ ۶. امنیت مظلومان و مستمدیدگان؛ ۷. امنیت در معابد و حریمهای الهی؛ ۸. امنیت موجودات و سایر حیوانات، پرندگان، زمین، و جانداران» در هر صورت ویژگی شهر اسلامی، امن و آرام بودن است. چنانچه در قرآن ذکر شده است، رفاه و امنیت به عنوان یکی از نعمت‌های الهی، یکی از ویژگی‌های حکومت و جامعه‌ی مطلوب اسلامی است^۱ و یکی از علایم و صفت‌های حکومت باطل وضع نامطلوب، وجود گرسنگی، ترس و نامنی است.

اصل مسؤولیت و عطوفت به طبیعت

آشتی و تناسب و هماهنگی بشر گذشته، جای خود را به برتری انسان بر جهان طبیعت داد. در عصر تجدد، بشر خود را برتر از طبیعت یافت و بر فراز آن قرار گرفت و با بهره‌گیری از دانش و فن‌آوری آن را به انقیاد خویش کشید. از آن دور افتاد و رفته رفته از آن بیگانه شد. با پیدایش انسان سوژه محور طبیعت به مثابه «آبره» به زیر تیغ کین و ترک تازی‌های بشر مغزور و سرمست از باده رهایی و عقل و علم کشیده شد. انسان از دریچه سود طلبی و خصومت به طبیعت نگاه کرد. به قول اریک فروم، نگاه انسان به طبیعت از نوع «داشتن» بود نه «بودن». انسان می‌خواست تا طبیعت را نیز به تملک و سلطه‌ی خویش درآورد. لذا پا از آن فراتر نهاد و به دلیل استعداد و توانایی‌های زاییده‌ی خرد و دانش، در آن دست برد و در آن دخل و تصرف نمود. چشم آزو

فکری و معرفتی روبرو هستند و همچنین از خطا و اشتباه مصون نمی‌باشند، لذا آزادی بیان و بیان حقایق تلخ از حقوق ملت و مردم است. این امر در هر صورت مستلزم اداره‌ی بهتر امور، حذف خطأ، بهره‌برداری درست از منابع شریک شدن در عقول دیگران است.

امنیت

مؤلفه دیگر شهر آرمانی در اندیشه دینی، وجود «امنیت» در تمامی عرصه‌های آن است. در نگرش دینی، خداوند موجودی آمنیت آفرین است و یکی از صفات خداوند «السلام المؤمن» می‌باشد.^۱ مؤمن به دلیل پاییندی به ایمان به دین، هم خود را امنیت و هم امنیت بخش است. در قرآن کریم آیات متعددی بر این نکته تأکید دارد که «ایمان و پذیرش پیام الهی» امنیت بخش خواهد بود و به مردم می‌گوید به خدا ایمان بیاورید و عبادت کنید او را تا از خوف و ترس و وحشت در امان باشید. از این رو باید گفت که یکی از سرچشمه‌ای اصلی امنیت و نامنی، ایمان و عدم ایمان به خداوند است. ایمان به وی برای انسان ایجاد آرامش، امنیت و دلگرمی می‌کند و در مقابل نفی و رد آن سایه‌ی ترس، خوف و وحشت و هولناکی است. ایمان به خدا و یادآوری ذکر وی چنان‌چه قرآن می‌فرماید، مایه‌ی آرامش و اطمینان است.^۲ چون ایمان به خدا موجب امید، آرامش و معنا و مفهوم به زندگی می‌باشد. اگر بگوییم بی‌معنایی و پوج بودن زندگی از معنا، منبع اصلی تشویش و ناآرامی انسان است و امنیت و دل آرامی را از وی سلب می‌کند، باید بپذیریم که ایمان به وی نیز مایه‌ی قرار و تسکین آدمی است چون بدین ترتیب انسان از سرگشتنگی، بیهودگی، تشویش، اضطراب، فناپذیری، مرگ، نابودی و ترس از بی‌فرجامی، رهایی می‌یابد. علاوه بر آن باید گفت: امنیت و آرامش اولیه‌ی انسان شرط اساسی حیات و شکوفایی استعدادها و تکامل انسانی است. در واقع باید گفت که امنیت روحی و روانی و ذهنی و آرامش معنوی انسان بر وجوده دیگر امنیت تقدم دارد و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۱

اصول مدیریتی شهر در دوران پیامبر اسلام تعیین نقیبان و نمایندگان سرپرست برای مدینه حضرت رسول اکرم در مقدمه چینی برای هجرت در پیمان عقبه دوم، ۱۲ نماینده از مردم شهر برای ساماندهی و سرپرستی قوم از سوی خود مردم تعیین نمودند. در تاریخ طبری چنین آمده است: «پیامبر فرمود: دوازده نقیب برگزینید که به کار قوم خویش بپردازنند و دوازده نقیب برگزیده شد. ابن اسحاق گوید: آنگاه پیامبر به نقیبان گفت: بر کار قوم خویش هستید و سرپرست آنها بید» (طبری، ۱۳۷۵، ص ۹۵۱). در موارد دیگر نیز حضرت پیامبر در غیاب حضور خود در مدینه جانشینی برای اداره امور شهر بر می‌گزید تا در غیاب او امور شهر را ضبط و ربط کند (عبدالاستار عثمان محمد، ۱۳۷۶، ص ۵۰). این امر بیانگر مشارکت مردم و هم تعیین سرپرست برای حیطه‌های مختلف اداره امور شهر در ابعاد مختلف می‌باشد.

تغییر نام شهر یثرب به مدینه نمونه‌ای از مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن حضرت رسول اکرم در بدو ورود به شهر یثرب نام شهر را به مدینه تغییر دادند. معنی لغوی خاصی نیز برای آن (یثرب) یاد کرده‌اند که عبارت از «لوم، فساد و عیب» (جعفریان، ۱۳۷۲، ص ۹۱). رسول اکرم بانهی از کاربرد کلمه یثرب، بجای آن شهر را مدینه و طابه و طبیه نامیدند (همان، ص ۹۱). پیامبر فرموده‌اند: کسی که مدینه را یثرب نام گذارد باید استغفار کند، مدینه پاک است (نظری منفرد، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵) که نشان از کاربرد و مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن و شروع تغییر مدیریتی از همین بدو ورود پیامبر به شهر مدینه با تغییر نام شهر در راستای خیر و نیکی و برکت بخشیدن به شهر است.

تغییر مفهوم یثرب به مدینه به مفهوم تغییر و تحول مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی با ظهور پیامبر رهبری الهی جایگزین شیخ قبیله‌ای

حس منفعت طلبی آدمی، چشم انسان را از دیدن و پیش بینی کردن این واقعیت که ذخایر طبیعت محدودند و روزی تمام خواهد شد، کور کرد. در نگرش اسلام، طبیعت و جهان دارای عظمت و بزرگی است چون خداوند بر آن سوگند یاد کرده، بسیاری از سوژه‌های قرآن را با نام آن نام‌گذاری کرده و همچنین آنرا مخلوقی تسبیح‌گو و ذی شعور معرفی می‌کند. در هر صورت در نگرش دینی به طبیعت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. «بهره برداری از طبیعت»: انسان به عنوان برترین مخلوق الهی، حق بهره برداری از طبیعت و منابع آن را دارد اما چنانچه قبل‌اگفتیم این بهره‌برداری محدود است و محیط و طبیعت ملک خاص هیچ یک از افراد بشر یا نسل‌های بشری نیست که هر گونه که خواست در آن تصرف نماید طبیعت و محیط زیست، میراث همه انسانها است و از نسلی به نسل دیگر انتقال و به ارث می‌رسد. آیه ۳۷ سوره‌ی بقره دقیقاً به این نکته اشاره دارد: «و لكم في الأرض مستقر و متعال إلى حين»

۲. «پرهیز از اسراف و تبذیر»: انسانها به بهانه توسعه، زیست و اینکه برترین موجود بر روی زمین‌اند، حق چپاول و نابود کردن منابع محیطی، زیست محیط و کره‌ی زمین را ندارند. این تعریف محدود است و نباید از حد متعادل بگذرد، چون اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر نیز گناهی کبیره است.

«ان المبدرين كانوا أخوان الشياطين»

۳. «تدبیر در طبیعت و هستی»: در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که در آن به پدیده‌های طبیعی اشارات فراوانی رفته است و در غالب آن به مطالعه و تدبیر در آن توصیه شده است. از این زاویه طبیعت صرفاً برای استفاده‌ی بی‌رویه‌ی انسان خلق نشده است، بلکه در بطون و ساختار آن نشانه‌های از عظمت، بزرگی، عبرت، درس آموزی، نظم، انجام و آیات دیگری نهفته است که بدون تردید نشانگر عظمت خداوند است.

و توحید جایگزین شرک و مسئولیت پذیری جایگزین مسئولیت گریزی و مدیریت الهی جایگزین مدیریت شرک آلدود گردید. تغییر نام یشرب به مدینه که اشاره گردید سرآغاز عینی تغییر از مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی در شهر مدینه پیامبر است. از آن پس است که به جای شنیدن نام قبایل، با نامهایی از قبیل اهل مدینه، اهل قبا، اهل طائف مواجه می‌شویم و چنین نامهایی بیانگر تحولات فرهنگی و در شهر مدینه پیامبر، روی آوردن به شهرنشینی است (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶، ص ۵). لذا مدیریت شهری جایگزین مدیریت قبیله‌ای گشته و مفهوم شهروند در شهر اسلامی با مدیریت پیامبر متولد گردید.

مشاوره در سیستم مدیریت شهری رسول اکرم

آیاتی نظیر «وشاورهم فی الامر» و «وامرهم شوری بینهم» زمینه ساز مشارکت همگانی در مدینه النبی رسول خدا می‌باشد که متضمن همکاری و هماهنگی تنگاتنگ مسئولین اداره شهر مدینه با آحاد و توده‌های مردم مدینه بوده است و حضرت نه فقط در مدیریت جنگها بلکه در مدیریت کلیه شئونات شهری از سیستم مشورتی با صحابه و توده‌های

مردم سود می‌بردند. تشکیلات و سازمان مدیریتی مبتنی بر بیعت و مشارکت همگانی و تاییدات الهی شکل گرفته و در خدمت امت بود و از استبداد و خودرایی در آن خبری نیست و مدیریت شهری نیز مبتنی بر مشارکت همگانی توده‌های همگانی بود و اداره امور شهر با مشارکت مومنان و خرمندان و اهل حل و عقل و نخبگان جامعه اسلامی صورت می‌گیرد. خداوند متعال نیز مشورت را مورد تاکید و تشویق قرار داده و آن را در کنار استجابت دعا، نماز و اتفاق مطرح نموده است (ساربانقلی و همکار، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).

همبستگی نهادهای و قومیتها و طایفه‌های مختلف شهری در مدیریت شهری حضرت رسول اکرم

آغاز ورود پیامبر به مدینه مصادف است با اختلاف

قومیتهای مختلف نژادی و قبیله‌ای در شهر مدینه و نیز اختلافات عمیق دو قبیله اوس و خزرج که توسط یهودیان مدینه نیز آتش این اختلافات دامن زده می‌شود. تدوین نخستین پیمان نامه عمومی در اسلام در شهر مدینه توسط رسول اکرم در همان نخستین ماههای ورودشان به مدینه که عهدنامه‌ای است میان مهاجرین و انصار از یک سو و یهود از سوی دیگر سبب مدیریت صحیح شهری در همبستگی نهادهای مختلف مردمی در شهر مدینه گشته است. موارد عمدۀ این پیمان به نقل ابن اسحاق عبارتند از: زندگانی مسلمانان و یهود مانند یک ملت در مدینه، آزادی مسلمانان و یهود در مراسم دینی و عبادی خود، دفاع از همیگر در صورت حمله دشمن، دفاع مشترک از شهر مدینه، قرارداد صلح با دشمن با مشورت مشترک، حرام شدن خونریزی در مدینه، قبول حکمیت رسول اکرم به عنوان آخرین داور در حین نزاع و اختلاف (نقل به مضمون از: آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۴ به نقل از هشام، سیره النبی، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۲۳).

پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شهری مدینه

در نخستین سال ورود حضرت رسول اکرم به مدینه یکی از مهمترین ابتكارات مدیریت شهری و پیوند لایه‌های مختلف اجتماعی و طبقات مختلف در شهر مدینه افزون بر پیوندهای وحدت‌بخش دینی پیوند عقد اخوت و برادری بین کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد می‌باشد. رسول خدا در مجلسی عمومی فرمودند: تاخو فی الله اخوین (آیتی محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵). این پیمان برادری همگانی بر مبنای نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر مبنای محوریت حق و همکاری اجتماعی شهری شکل گرفت.

احیای موقعیت و نقش اجتماعی زنان در مدیریت شهری پیامبر

در گفتمان نبوی و در سیستم مدیریت شهری رسول

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۳

واحد تجسم عینی وحدت جامعه اسلامی در قالب امت بود؛ پیامبر با مفاهیمی مدیریتی نظری برقراری اختوٰت بین مهاجران و انصار (نظری منفرد علی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)، پیمان با یهود (همان، ص ۱۲۱) و تاسیس مسجد جامع نبوی (شریف قرشی باقر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷) برای وحدت بخشی و حضور مردم شهر، در عرصه عمل و نظر و کردار و گفتار سبب کمک به ایجاد امت واحد اسلامی و وحدت مردم شهر مدینه گردیدند.

توجه به فضای عرصه‌های اقتصادی در مدیریت شهری پیامبر

تدارک منابع درآمدی برای تضمین موفقیت سیاستهای شهری و بهینه‌سازی حیات اقتصادی شهری یک ضرورت است. مدیریت شهری پیامبر در مدینه بدون توجه مناسب به عرصه‌های اقتصادی و سیاست‌های روش اقتصادی نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. فقدان عدالت اقتصادی نیز می‌تواند ضمن وارد کردن آسیب‌های جدی به باورهای شهری نوپای پیامبر زمینه‌ساز تشديد دنیاطلبی و فساد گردد. در چنین شرایطی حکم پرداخت زکات اعلام و به مرحله اجرا گذاشته شد (رهبر عباس علی، ۱۳۷۶ به نقل از شاکرند شکرالله و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). از طرفی با دستور زکات از سوی خداوند متعال که بر مسلمانان واجب گشته است، امکان بهره گیری عرصه‌های اقتصادی نظری ذکات توسط پیامبر و تحت مدیریت شهری حضرت برای بهود کیفیت فضاهای شهری میسر بوده است و زکات بخشی از پشتوانه اقتصادی ساخت و ساز در شهر اسلامی مدینه و مدیریت شهری پیامبر را فراهم می‌نمود. علاوه بر این پیامبر توجه خاصی به فضای بازار در شهر مدینه داشته‌اند. روایات بسیاری داریم که دخالت پیامبر در تعیین محل بازار در مدینه را تائید می‌نماید (سهمودی علی بن عبدالله، بی‌تا، ص ۷۷۴).

اکرم موقعیت و نقش اجتماعی زنان احیا شد و حضورشان در عرصه‌های مختلف اجتماعی فراغیر شد (جمشیدی‌ها، غلامرضا و زائری قاسم، ۱۳۸۷، ص ۳۲). نیاز به حضور زنان در عرصه‌های مختلف حیات جمعی سبب تدوین و تقویت نهاد خانواده و نهاد حجاب در مناسبات شهری جامعه اسلامی در گفتمان نبوی در مدینه النبی گردید. در شرایطی که حضور زنان خدمتکاران و بردگان زن و کنیزان در اجتماع مردانه جاهلی حضوری بدی و حاشیه‌ای و حضور زنان طبقات بالانیز حضوری بدل از حضور مردان اشرف بود و زنان در موقعیت‌های اجتماعی بودند تا برتری مردان خود (ارباب یا شوهر) را نشان دهند و احترام دیگران را رای او برانگیزند (اروجلو فاطمه، ۱۳۸۴، ص ۳۴). پیامبر زنان را نیز وارد صحنه کرد و به هنگام بیعت با زنان نیز بیعت نمود؛ پیامبر در عصری که مردم فرزند دختر داشتن را ننگ و عار می‌دانستند و از شنیدن خبر صاحب دختر شدن چه ره درهم می‌کشیدند، از دخترش به بهترین وجه یاد می‌کند، او را احترام می‌کند، لقب ام ابیها به او می‌دهد و در قرآن هم سوره کوثر در ثنای او می‌آید و او را خیر کثیر معرفی می‌کند (لک زایی نجف، ۱۳۷۹).

مدیریت شهری در راستای خلق مفهوم امت اسلامی و وحدت بخشی و خلق مفهوم وحدت در آحاد مردم مدینه

تلاش پیامبر در راستای خلق نظامی شهری و مبتنی بر ارزشهای اسلام و امت واحده است. خداوند در قرآن کریم بارها از مفهوم امت واحد سخن گفته است. پیامبر با انعقاد نخستین پیمان نامه عمومی، به سر سامان دادن اجتماعی، تحکیم وحدت اجتماعی و ایجاد نظام شهروندی پرداخت و با پیمان اختوٰت، مرزه‌های، شهری و قبیله‌ای را تغییر داد و به جای آن مرزه‌های دینی را بنیان نهاد (عبدالجلیل، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳-۱۲۴). علاوه بر اینکه نظام اعتقادی اسلام سبب نزدیکی شهروندان در مدینه به همدیگر ردید و نماز به سوی قبله‌ای

مسجد پیامبر فضای چندکاربردی و مرکز

مدیریت شهری در شهر پیامبر

تأسیس بنای مسجد از نخستین اقدامات پیامبر در نخستین ماههای هجرت در شهر مدینه است. خود رسول خدا به بنای آن اقدام کرد و اصحاب نیز کمک می کردند (نظری منفرد علی، ۱۳۸۶، ۱۰۱). پیامبر با ساخت فضای عبادی مسجد النبی که با کمک همه اهالی شهر مدینه و زیر نظر مستقیم پیامبر و با همکاری خود پیامبر ساخته شد؛ این مکان را مکان نماز و حکومت و اعمال مدیریت شهری در مدینه قرار داد. پیامبر علاوه بر برگزاری نمازهای پنج گانه در مسجد، از همان جا به اداره امور می پرداخت و به ارسال نیروهای نظامی و پذیرش نمایندگان قبائل اقدام می نمود؛ قضاوت می کرد و خصومتها و منازعات بین مردم را حل و فصل می کرد. علاوه مسجد پیامبر به تدریج به مرکز علمی و فرهنگی بدل شد، دارالشورای مسلمانان در امور عمومی و جنگ و صلح گردید. در عین حال مرکزی اجتماعی برای رسیدگی به نیازمندی های نیازمندان بود. از این حیث مسجد نهاد عمومی در جامعه اسلامی و رکن اساسی از ارکان دولت پیامبر بود؛ موسسه ای بزرگ که شامل فعالیتهای دینی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی گستردگی شد (فیرحی داود، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱-۲۰۲).

هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز و افزایش سطح باعهای شهر مدینه

عوامل متعددی توسط حضرت رسول اکرم سبب تشویق مردم به خلق و توسعه فضاهای سبز و باعات و کشاورزی در مدینه گردید. عرف بود که هر کس زمین بایری را آباد کند از آن او باشد (مالک ابن انس، ۱۳۷۰، ص ۷۴۳). افزون بر آن بسیاری از زمینهای زراعی میان اغلب مهاجران به شرط زراعت و باعدهای و تداوم فضای سبز تقسیم شده است (بلادری احمد ابن یحیی، ۱۹۶۵، ص ۲۲).

مدیریت شهری در راستای عمران و آبادانی زمین
آبادانی و عمران شهری از مسائل مورد تأکید در مدیریت شهری پیامبر بوده است. پیامبر فرموده اند: کسی ه زمین مرده ای را آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۰، میرزاوی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۱۱-۱۲ و نیز فرموده اند: بندگان، بندگان خدا هستند و سرزمین ها، سرزمین های خدا هستند پس هر کسی که چیزی (مقداری) از زمین مرده را، آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۱، همان) و نیز فرموده اند: اگر کسی زمینی را که از آن کسی نیست، آباد کند، خود بدان سزاوارتر است (خرمشاهی بهالالدین و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۸۵۹).

مدیریت شهری دانش محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر

مدیریت شهری پیامبر علاوه بر اینکه دانش محور بود، عملاً به تقویت نهادهای مدنی و شهری آموزشی در شهر مدینه کوشش می نمود و ساختار مدیریت شهری پیامبر در مدینه همراه به خلق و تقویت نهادهای آموزشی اهتمام داشت. نهضت دینی قرائت و فهم و اجتهاد واستنباط در زمان پیامبر آغاز شد و رفته رفته و به تدریج گسترش یافت (امین احمد، ۱۹۷۲م، ص ۱۹۸). پیامبر در شهر مدینه با مدیریت نهادهای آموزشی عملاً ستاد فرهنگی و خانه معلم تأسیس نمودند. پیامبر اسلام برای گسترش اسلام و آموزش قرآن، در مدینه خانه مخرمه ابن نوفل را به عنوان دارالقرا (خانه قاریان) مرکز تربیت معلم قرار داد و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و دیگر شهرها اعزام می کرد. «واقدى» نقل می کند عبدالله ابن ام. مكتوم بعد از جنگ بدر همراه مصعب ابن عمیر وارد مدینه شد و در دارالقرا سکنی گزید (طبقات ابن سعد، ج ۵ به نقل از دکتر ثقفی سید محمد، ۱۳۸۰، ص ۷۶). شهر پیامبر آموزش و یادگیری و تعلیم علم جزو واجبات است. از حضرت نقل شده است: دانش بیاموزید (حدیث شماره ۱۲۵، میرزاوی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۳۲).

جدول ۵. مولفه های مدیریتی مورد نظر سیره نبوی؛ مأخذ: نگارنده بر اساس ساربانقلی و همکار، ۱۳۸۸.

راهکار مدیریتی	نمود در شهر پیامبر	استفاده در شهرهای معاصر
تعیین نقیبان شهری	(*) انتخاب سرپرست برای مدیریت مباحث گوناگون شهر مدنیه، (*) تخصص تخصص گرایی در مدیریت شهری مدنیه	(*) مدیریت شهری بهینه، (*) تخصص گرایی، (*) انتخاب سرپرست برای حوزه های شهری
تغییر نام شهر	(*) تغییر نام شهر بشرب (فساد و تباہی) به مدنیه (پاک و طیب)؛ (*) تجلی ایده آل های شهری در انتخاب نام های شهری.	(*) انتخاب نام نیکو برای شهر؛ (*) گزینش بهترین نام؛ (*) یادآوری مفاهیم نیکو در شهر؛ (*) فضای ذکر پرهیز از مدیریت قبیله ای؛ (*) سوق دهی به مفاهیم مدنی؛ (*) مدیریت بر مبنای مفاهیم شهری؛ (*) پرهیز از رانت های قوم و خویشی در مدیریت شهری
تغییر مدیریت شهری به مدیریت شهری	(*) تحول مدیریت شهری مدنیه از حالت قبیله ای و طایفه ای و قومی به سمت مدیریت شهری؛ (*) دوری از مدیریت مبتنی بر قوم و قبیله و نژاد	(*) سیستم مدیریتی مشورت محور و حداکثر بهره از مشارکت مردمی و مشورت در شهر مدنیه؛ (*) مشارکت حداکثر مردم در حوزه های مختلف اداره امکان مشارکت مردم در اداره و مدیریت شهر در مراحل مختلف سازمانی.
مشاوره در نظام مدیریت شهری	(*) تقویت حس مکانی در شهر مدنیه؛ (*) تقویت روح جمعی مدنی در شهر مدنیه؛ (*) پیمان اخوت در شهر مدنیه شهری	(*) مظاهر مدنی شهر؛ (*) تقویت مظاهر زندگی جمعی؛ (*) تضعیف ساختارهای فردی و قومی و قبیله ای در قبال افزایش تعهد و تعلق اجتماعی شهری
احیای نقش اجتماعی زنان	(*) حضور فراغیر زنان در عرصه های زندگی شهری مدنیه؛ (*) احیای موقعیت و نقش اجتماعی زن؛ (*) کنش متقابل اجتماعی با در نظر گرفتن مفهوم بر نقش زنان در فضاهای شهری حجاب	(*) توجه مباحث کرامت و حفظ حقوق زن در عرصه شهری؛ (*) مدیریت مبتنی بر نقش زنان در فضاهای شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۵

(*) مرزهای عام و جهانشمول دینی به جای مرزهای محدود فیزیکی؛	(*) نظام شهروندی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و دینی در شهر مدینه؛ (*) پیمان اخوت و برادری میان مهاجران و انصار در شهر مدینه؛ (*) تاسیس مرکزیت مدیریت شهری در قالب مسجد نبوی در شهر مدینه؛ (*) پیمان با یهود محوریت حق و کلمه توحید؛ (*) مقابله با موانع وحدت در مدیریت شهری؛ (*) مدینه: تخریب مسجد ضرار مدینه حذف موانع وحدت بخش شهری؛ (*) حذف موانع وحدت بخشی در شهر.	مفهوم امت اسلامی
(*) تبدیل تهدید به فرصت در عرصه مدیریت شهری؛ (*) تقویت ساختارهای شهری و شهرنشینی.	(*) بهره‌گیری از فضای اقتصادی در شهر مدینه؛ (*) اخراج از تعرب به تحضر در شهر مدینه.	موقعیت اقتصادی
(*) سیاست‌های روشن اقتصادی؛ (*) توجه به مفهوم عدالت اجتماعی در تولید و توزیع ثروت اجتماعی؛ (*) معیار دینی برای تولید و توزیع فعالیتهای اقتصادی؛ (*) توجه به مکان‌گزینی مناسب فضای بازار و مکانهای فعالیت‌های اقتصادی در شهر؛ (*) تاسیس فضاهای مستقل اقتصادی در فضاهای شهری؛ (*) توجه به تولیدات داخلی.	(*) توجه به مفهوم عدالت اقتصادی در عرصه‌های مدیریت شهری مدینه؛ (*) واجوب ذکات به عنوان یکی از پشتونهای تقویت کننده اقتصاد شهری؛ (*) توجه به فضای بازار و عرصه اقتصاد شهری؛ (*) دخالت پیامبر در تعیین محل بازار در مدینه؛ (*) تاسیس بازار مستقل برای مسلمانان شهر مدینه	توجه به عرصه‌های اقتصادی
(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری مدینه؛ (*) همکاری و تعاون شهروندان در ساخت مراکز شهری؛ (*) ایجاد روحیه پاسخگویی متقابل در تمامی سطوح مدیریت شهری؛ (*) تعاون و همکاری در جنگ و صلح، در سفر و حضور برای مباحث مختلف شهری.	(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری مدینه؛ (*) اصل کلی مدیریت شهری مدینه؛ (*) مرکزیت اجتماعی و شهری و فرهنگی و آموزشی مدینه با تعاون همه شهروندان؛ (*) مشورت‌های مدیریتی پیامبر و خلق روحیه تعاون و همکاری در تمامی سطوح	تعاون و همکاری
(*) تداوم مدیریت فضاهای شهری؛ (*) ساخت و ساز و عمران شهری؛ (*) ارتباط معنوی با مفاهیم مذهبی بقای آثار موقوفه؛ (*) ترمیم و مرمت ابنيه موقوفی در شهر حفظ فضاهای شهری.	(*) پیامبر اکرم(ص) مبدع سنت وقف در شهر مدینه؛ (*) ساخت و ساز شهری در مدینه؛ (*) تداوم حیات فضاهای وقف شده؛ (*) افزایش فعالیت عمرانی با سنت وقف	وقف

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۶

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۷

	<p>(*) تاسیس بنای مسجد اولین اقدام عمرانی پیامبر در شهر مدینه؛ (*) با کمک همه اهالی مدینه و زیر نظارت و طراحی شخص پیامبر ساخته شده؛ (*) مرکزیت محلات مسجد محلات مرکزیت شهرک مسجد شهرک مکان فضای شهری+ مرکز مدیریت شهری؛ (*) مرکز اداره کلیه امور شهر و مرکز ارتباط با مردم و قضاؤت و فضای فرهنگی و مکان رفع اختلافات و مرکز اجتماعی و نهاد عمومی</p>	<p>مسجد فضای چند کاربردی و مرکز مدیریت شهری</p>
	<p>(*) تاکید بر رعایت بهداشت فردی و جمعی در شهر پیامبر؛ (*) بهداشت آب، مدیریت دفع مواد زاید؛ (*) بهداشت اماکن عمومی، بهداشت مسکن، بهداشت مواد غذایی؛ (*) بهداشت صوتی و حفظ محیط زیست در شهر پیامبر؛ (*) توجه به پیشگیری و ایمنی و سلامت در شهر پیامبر</p>	<p>فضاهای بهداشتی</p>
	<p>(*) افزایش سطح فضای سبز در ابعاد خرد و کلان شهری؛ حیاط، پارک، فضای سبز (فیوز)؛ (*) اهمیت به فضاهای سبز ایجاد شده توسط شهروندان.</p>	<p>توسعه فضای سبز</p>
	<p>(*) توجه ویژه به اصحاب صفة مدینه؛ (*) سکونت موقت محرومان نگرش کوتاه مدت در کنار نگرش بلندمدت به محرومان شهر مدینه؛ (*) حل مسکن و خوراک؛ (*) فرصت‌های شغلی دائمی برای اصحاب صفة؛ (*) توصیه‌های اخلاقی برنامه ریزی مدیریتی در راستای ایجاد زندگی معمولی و آبرومند برای اصحاب صفة.</p>	<p>ساماندهی بی- خانمان‌ها</p>
	<p>(*) تقویت نهادهای آموزشی و یادگیری در فضاهای شهری؛ (*) گسترش فضاهای و نهادهای علمی؛ (*) دسترسی آسان به اطلاعات شهر؛ (*) سهولت دسترسی به دانش در سطح مدیریت شهری برای شهروندان.</p>	<p>دانش محوری</p>



مدرسہ شری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۸

نمودار ۱۱. فرایند ظهور مصادیق شهر اسلامی؛ مأخذ: نقی زاده؛ ۱۳۸۹.

و دیگر مخلوقات و دیگر انسانها می‌بیند. در عصر تجدد، طبیعت به مثابهی دشمن انسان رسمیت یافت و بشر وظیفه خود داشت تا در آن دخل و تصرف نماید و آنرا زیر چنگال سلطه‌آمیز خویش قرار داد. انسان با خصوصیتی وصف ناپذیر جهان را عرصه‌ی تاخت و تاز ارض اغراض خویش ساخت بدون آنکه به عواقب چنین عمل خودسرانه‌ای بیندیشد. به طور خلاصه در جامعه اسلامی (یا شهر آرمانی)، دادگری و عدالت محور تمامی فعالیتها است و در این اصل در آن برقرار است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه اسلامی و همچنین به منزله‌ی یکی از اهداف چنین جامعه‌ای، راهگشای روابط زندگی فرد و جامعه است. فرد مؤمن بر این قاعده زندگی خویش را پی می‌ریزد و با دیگر انسانها ایجاد رابطه می‌کند. این معیار نه تنها میزان ارتباط وی با مسلمانان بلکه شاخص رفتار وی

نتیجه گیری و جمع‌بندی
در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف به حد و حصر و ارضاء غاییز صرف حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آنرا صرفاً به خاطر اراضی خواسته‌ای نفسانیش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشتن را در برابر طبیعت و هستی مسؤول و موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی حد و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قابل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۴۹

اصول اساساً ویژگی‌ها و خصلت‌های شهر اسلامی را توضیح میدهد. شهر نظم اجتماعی که متکی به چنین نگرش و اصولی باشد و روابط افراد و نظم اجتماعی بر مبنای آن شکل پذیرفته باشد. شهری اسلامی است و شهری که نظم و روابط اجتماعی اش مبتنی بر این اصول نباشد، شهری اسلامی نیست. انسان در برابر بهره‌مندی از طبیعت مسئول است و در این باده از وی بازخواست خواهد قرار می‌گیرد. همانگونه که هر کسی نسبت به دیگری مسئول است. «كلکم راع و كلکم مسؤول عن رعيته» در مقابل طبیعت و بعد آن نیز مسئول است و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت و سرانجام آن غافل و احساس بی مسؤولیتی کند. در هر صورت در جامعه آرمانی (یا شهر اسلامی) انسان با طبیعت همساز، یکسان و انیس است. شهر اسلامی به نحوی بنا و پی‌ریزی نمی‌شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دیندار به جهان پیرامون خود به آنها اجازه نمی‌دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی‌اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی‌حد و حصر رسانند. انسان به عنوان موجودی مسئول در برابر طبیعت به منزله مخلوق خداوند، مسؤولیت و وظیفه دارد. گرچه انسان در عرصه طبیعت دخالت می‌کند اما آن را دفتری برای علم آموزی، معرفت، کسب دانش، عبرت، آیت و عظمت خداوند می‌بیند. فهم و درک مفاهیم مدیریت شهری پیامبر مستلزم درک مبانی و مفاهیم سیره پیامبر و توجه هم زمان به منابع اصیل اسلامی و دانش مدیریت شهری است. نگرهای مدیریت شهری پیامبر در مدینه امکان حصول و کاربرد در شهرهای امروزین ما را نیز داراست. رجوع به سنت پیامبر و بررسی مباحث مطرح شده در شیوه‌های مدیریت شهری پیامبر در مدینه ما را به چشم اندازهای مدیریت شهری ای می‌رساند که متسافنه امروزه از این ساحت‌های گسترده حکمت و معرفت نبوی در جهان امروز و شهرهای معاصر و شهرسازی امروز و جامعه امروز خبری نیست. مفاهیم مدیریت

با دیگران نیز می‌باشد. در حوزه‌ی حکومت، سیاست و قضاویت نیز اسلام فرمان به عدالت می‌دهد. قرآن کریم ضمن یادآوری اینکه مسؤولیتها و امانتها را باید به شایستگان با کفايتان آن سپرد. بیان می‌دارد که هر گاه میان مردم حکم و فرمانی راندید، به عدالت حکم کنید. ۱ لذا قاعده‌ی عدالت، در حوزه‌ی زندگی اجتماعی و روابط میان مردم و حکومت، قاعده‌ی بنیادین است و طرفین به منظور سامان و تداوم نظم و نظام سیاسی باید آنرا پاس بدارند. چنانچه مردم و حکومت، بر تحقق و استحکام چنین معیاری اصرار بورزند، نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنانچه آنرا پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و نهایتاً به ظلم و ستم و در نتیجه به سقوط و انحطاط خواهد انجامید. در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفه‌ای شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند. در همین چهارچوب باید گفت که تحقق سعادت و خبر حقیقی، در اندیشه دینی که به وسیله‌ی ایمان به خدا و انجام مناسک و عبادت الهی و در یک کلام در گرو کسب رضایت پروردگار به دست می‌آید، منوط به تحقق امنیت در انجام مناسک و عبادات الهی است. تا زمانی که در جامعه و اجتماعی فرد در آرامش و امنیت نباشد و دغدغه اساسی وی برآوردن امنیت باشد. امکان پرداختن وی به فضایل و خیرات بالاتر و آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی خود به خود منتفی است. در هر صورت به نظر می‌آید شرط اساسی تحقق خیر و سعادت حقیقی جامعه منوط به تحقق و استحکام «امنیت» است. از مطالب گذشته چنین می‌توان نتیجه گرفت که شهر یا جامعه‌ی اسلامی معطوف به اصول و مبانی و نوعی نگرش خاص نیست به هستی، انسان و آخرت و خدا است. این مبانی و

اشاره قرار گرفت. در پایان باید گفت که در شهر اسلامی، اصل اساسی اعتقاد انسان به خدا، حاکمیت وی، ایمان به جهان آخرب و جهان ماوراء طبیعه است. در جامعه اسلامی یا در یک شهر اسلامی تمامی انسانها دارای نوعی برداشت مشترک در این ارتباط اند. محور چنین نگرشی اصل حاکمیت خدا است. ایمان به وی و اینکه خداوند در زندگی بشر حضور دارد، برداشت انسان از نفس خود، جهان و طبیعت و رابطه‌ی خود با آنها را دگرگون می‌کند. در این چهارچوب سعادت و خیر حقیقی به عنوان بزرگترین آرمان بشر کسب رضایت خدا است، و انسان در این فضا است که به تلاش و تکاپو می‌پردازد. در هر صورت شهر اسلامی زمانی تحقق می‌یابد که افراد در عالم دینی قرار گیرند و به این اصول و مبانی ایمان داشته باشند. شهری اسلامی بدون تردید با ساختن مسجد، حسینیه، و مظاهر دینی و اسلامی نمی‌شود بلکه در صورتی تحقق می‌یابد که عالم دینی تحقق یافته باشد.

منابع و مأخذ

آخوندی و دیگران، (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی مدل اداره شهر در ایران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳.

اروجلو، فاطمه (۱۳۸۴) حضرت محمد(ص) و مقابله با اشرافی گری، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۲۲، قم، انتشارات دانشگاه باقرالعلوم.

اکرمی، ابوالفضل (۱۳۷۵) بازار در تمدن اسلامی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام جعفر صادق، سال اول، شماره سوم.

امین، احمد (۱۳۷۲) فجرالاسلام ج ۱، قاهره، مکتبه النهضة المصرية.

اهلرز، اکھرت (۱۳۷۴) موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی، ترجمه دکتر مصطفی مومنی و دکتر محمدحسن ضیا توana، نشریه میراث جاودان، تابستان ۱۳۷۴، شماره ۱۰، سال سوم، شماره ۲.

اورانجی، مارک، (۱۳۸۷)، «برنامه‌ریزی و چرخش پسامدرن: در کتاب آینده برنامه‌ریزی»، مترجم:

شهری حضرت رسول اکرم در شهر مدینه به عنوان نمودی از تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی در قالب محورهای: تعیین نقیبیان و نمایندگان سرپرست برای مدینه، تغییر نام شهر یکرب به مدینه نمونه ای از مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن، تغییر مفهوم یکرب به مدینه به مفهوم تغییر و تحول مدیریت قبیله ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی، مشاوره در سیستم مدیریت شهری رسول اکرم، همبستگی نهادهای و قومیتها و طایفه‌های مختلف شهری در مدیریت شهری حضرت رسول اکرم، پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شهری مدینه، اهمیت ویژه به شهرنشینی و اهمیت شهر در قبال کوچ نشینی و بیانگردی، احیای موقعیت و نقش اجتماعی زنان در مدیریت شهری پیامبر، مدیریت شهری در راستای خلق مفهوم امت اسلامی و وحدت بخشی و خلق مفهوم وحدت در آحاد مردم مدینه، بهره‌گیری از موقعیت های اقتصادی برای تداوم و تحکیم مدیریت شهری در شهر پیامبر، توجه به فضای عرصه‌های اقتصادی در مدیریت شهری پیامبر، جوان گرایی در حیطه مدیریت شهری، ثبت آمار و توجه به واقعیات موجود در مدیریت شهری پیامبر، ایجاد روحیه تعاون و همکاری در تمامی نیروهای انسانی سطوح شهری مدینه، تداوم مدیریت فضاهای شهری با سنت وقف در شهر مدینه، مسجد پیامبر فضای چند کاربردی و مرکز مدیریت شهری در شهر پیامبر، مدیریت شهری امور مربوط به بهداشت و فضاهای بهداشتی در شهر پیامبر، مدیریت شهری پیامبر و شیوه‌های گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی مدینه، هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز و افزایش سطح باغهای شهر مدینه، مدیریت شهری در راستای عمران و آبادانی زمین، مدیریت شهری در ساماندهی به بی خانمان‌ها و مهاجرین فاقد قدرت مالی مناسب و رسیدگی به محرومان، مدیریت شهری دانش محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر؛ قابل تبیین است که مورد

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۵۱

- جعفریان، رسول (۱۳۷۲) نفوذ اسلام در یثرب، فصلنامه میقات حج، سال دوم شماره ۱۱۰، ششم، حوزه نمایندگی ولی فقیه در حج و زیارت، تهران.
- جمشیدی ها، غلامرضا و زائری قاسم (۱۳۸۷) سیاست گذاری فرهنگی پیامبر اسلام و تاثیر آن بر موقعیت فرهنگی-اجتماعی زنان در زیست جهان جاهلی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، تهران، دوره ۶، شماره ۴.
- حتی، فیلیپ (۱۹۶۵) تاریخ العرب ج ۱، بیروت، بی نا.
- حریری، محمد یوسف (۱۳۶۲) اسلام و عقاید اقتصادی، انتشارات امیری، تهران.
- حاکرنده، شکر الله و دیگران (۱۳۸۶) پیامبر اسلام (ص) و جهان بینی تمدن ساز دینی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شیراز، بهار ۸۶.
- خامنه‌ای، علی، بی تا، درس هایی از نهج البلاغه، تهران، انتشارات سید جمال.
- خرمشاهی، بهالالدین و انصاری مسعود (۱۳۸۷) پیام پیامبر مجموعه‌ای از نامه‌ها، وصایا، دعاها و تفسیرها و سخنان جامع و فراگیر حضرت محمد (ص)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۹۹۶) البيان فی الفسیر القرآن، ج ۱، نجف، مطبوعه الاداب.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) شهر و ساکنانش، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۷.
- رسولی، محلاتی (۱۳۸۵) زندگانی حضرت محمد (ص) خاتم النبیین، چاپ ۲۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- رضاییان، علی (۱۳۷۶) اصول مدیریت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت، تهران، چاپ هشتم.
- رهبر، عباس علی (۱۳۷۶) شیعه و فرهنگ توسعه، فصلنامه حکومت اسلامی اندیشه و فقه سیاسی اسلام، پاییز ۷۶، شماره ۵، وابسته به دبیرخانه عارف اقوامی، انتشارات آذرخش، تهران.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۶) تاریخ پیامبر اسلام، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، تهران.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷) «بررسی جامعه‌شناختی شوراهای اسلامی با رویکرد کیفی نظریه بنیانی»، پژوهشنامه شوراهای، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۷) «بررسی نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه شهری» مجموعه مقالات مدیریت شهری پایدار، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- برک‌پور، ناصر و ایرج اسدی، (۱۳۸۸) «مدیریت و حکمرانی شهری»، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- برک‌پور، ناصر، (۱۳۸۱) «گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران»، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
- برک‌پور، ناصر، (۱۳۸۵) «حاکمیت شهری و نظام اداره شهرها در ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، شیراز.
- بلاذری، احمد ابن یحیی (۱۹۶۵) فتوح البلدان، ج ۱، تحقیق صلاح الدین منجد، القاهره.
- پرهیزکار، کمال، (۱۳۸۲) «تئوریهای مدیریت»، انتشارات آگاه.
- ترنر، برایان. اس. (۱۳۸۰) وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ترنر، مارک و دیوید هیوم، (۱۳۸۴) «حاکمیت، مدیریت و توسعه»، مترجم: عباس منوریان، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و بازارگانی.
- تصدیقی، علی، (۱۳۸۳) «نظریه حاکمیت خوب، توانمندسازی دولت»، طرح پژوهشی حاکمیت خوب (۶)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ثقفی، سیدمحمد (۱۳۸۰) علم و اندیشه در تمدن اسلامی، فعالیت آموزشی در زمان پیامبر (ص)، درس‌هایی از مکتب اسلام، قم، سال ۴۱، شماره ۴، تیرماه ۱۳۸۰، شماره ۴۸۴.

فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، سال ۶.

مهدیزاده و دیگران، (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی.

مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰)، «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، مجله مدیریت شهری، شماره ۵. هربرت جی، هیکس سی، ری گولت، (۱۳۷۷)، «ثئوریهای سازمان و مدیریت»، مترجم: دکتر گوئل کهن، انتشارات دوران، تهران.

Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna, Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 51-75.

Clark, Brian, D., (1981), Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East, British library.

Counsell, Dave and Graham Haughton, (2006), Advancing Together in Yorkshire and Hubefide in book: territory, identity and spatial planning.

Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), Urban Future 21, spon press.

Healey, P., (2006), Collaborative Planning, second edition, Palgrave macmillan.

Jain, A. K., (2003), Actioning New Partnerships for Indian Cities, Cities, Vol.21, No.1, pp. 41-55.

Jonathan S., Davies, (2002), The Governance of Urban Regeneration: A Critique of the Governance Without Government, public Adminstrating, Vol. 80, No. 2.

Macleod, Gordon and Martin Jones, (2006), Mapping the Geographies of UK Devolution, in book: Territory, Identity, Spatial Planning, P. 336-339.

Mary Kauzya, John, (2003), Local Governance Capacity Building for Rang Participation in Africa Countries, Discussion Paper Seris, No.33, Avail-

مجلس خبرگان رهبری، قم.

رودگر، محمدجواد (۱۳۸۵) اصول اخلاقی در مدیریت نبوی، فصل نامه حکومت اسلامی، شماره ۴۲، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان، وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.

ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸) نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی؛ فراسوی مدیریت، شماره ۳.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۵) فروغ ادبیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم(ص)، بوستان کتاب، قم.

سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) مدیریت شهری، سازمان شهرداریهای کشور، جلد یازدهم، تهران.

سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹) «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.

سهتمودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴) وفای الوفاج ۱، تحقيق محى الدين عبدالحميد، القاهره، بي. نا. سيف الدين، فرانك (۱۳۷۸) روند شهرنشيني مساله شهرهای بزرگ، نشریه علمی پژوهشی پژوهشگاه جغرافیایی، شماره ۲۱.

صرافی، مظفر (۱۳۷۹) «مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، س ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.

طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۷۰)، «حکومت محلی و عدم تمرکز»، انتشارات قومس، تهران.

عسگری، علی و همکاران، (۱۳۸۲) «طرح تحقیقاتی: طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری»، جلد دوم، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.

فاینشتاين، سوزان و نورمن فاینشتاين، (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی شهری و ارزش‌های سیاسی»، مترجم: ناصر برکپور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵. لاله‌پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»،

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۵۲

able at: www.cdt.iao.florence.it

Mc Gill, R., (1994), Institution Development and the Notion of Sustainability, the International Journal of Public sector Management, Vol. 6-7, ABI, Inform Global, Pg.26, pp. 26-40.

Mc Gill, R., (1998), Urban Management in Developing Countries, Cities, Vol. 15, No.6, pp. 463-471.

Mehta, (1998: p. 6, 1998), Some Attributes of Good Governance and Cities, Urban Governance: Lessons from Best practicea in Asia, UMP-Asia occasional paper, No.40

Morphet, Janice, Global Localism, in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.

Osziak, Oscar, (2000), Building Capacity for Governance in Argentina, Asia Review of public Administration, Vol. 7, No. 10.

Pacione, M., (2005), Urban Geography, second edition by Routledge.

Pierre.j-petters, G. (2000), Governance, Politices and the State, Macmillan press, London, P:2).

Rakodi, C., (2001), Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries, Journal of JAG I Volume 3 - Issue 3.

Salet, William & et al, (2003), Metropolitan Governance and Spatial Planning, London, spon press.

Williams, G., (1999), Metropolitan Governance and Strategic Planning: A Review of Experience in Manchester, Melbourne and Toronto, Journal of Progress in Planning 52, 1-100



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۵۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۳۵۴